

در متن کتاب از آن آید که در این کتاب به بررسی و تحلیل تاریخ و تمدن ایران در دوره ساسانی پرداخته شده است. این کتاب به دلیل جامعیت و عمق مطالب، مورد توجه محققان و دانشجویان قرار گرفته است. در این شماره از مجله، به بررسی این اثر ارزشمند پرداخته می‌شود.

اریانا

شماره پنجم، اول جوزا ۱۳۲۷، سال ششم

از مجهولات دور نزدیک

تحفة الحبيب

وقتی که در متون تاریخی کشور خود سیر و تند قیق می‌کنیم، می بینیم که بسی از خفایا و نکات بار یک تاریخی و حیات اجتماعی اجداد و گذشتگان ما از آن بدست می آید، و اوضاع پوشیده که ظاهر است، در لف متون تاریخی ظاهر میگردد. در این شماره از مجله، به بررسی و تحلیل این اثر ارزشمند پرداخته می‌شود.

ولی بسی از اوضاع و وقایع عصر نزدیکی که مقارن بزمان زندگانی ماست، بر همگنان پوشیده است و نمی توان در آن باره چیزی نوشت. مثلاً ما می توانیم در طول ده قرن هجری از بدو اسلام تا عصر بابر، در تاریخ علمی و ادبی کشور خود جستجو کنیم، و کتابها را در شرح حال و مؤلفات علمای نامدار و بزرگ خویش بنویسیم، ولی اگر همین مقصد را در دورهای نزدیک تعقیب کنیم، کمتر بدست خواهد آمد. شاید برخی از مردم بگویند، که این دورها عصر انحطاط علمی و ادبی است، ولی این عذر هم صادق نمی آید، آنچه بسی از مؤلفین و علمائیی بزرگ درین عصرها داشتیم، که متأسفانه با نام و نشان و مؤلفات خود بخاک رفته اند، بنا بران وظیفه نویسندگان و ارباب تحقیق است که درین مورد توجه کنند، و آنچه از پدران و نزد یسکان شنیده اند، ضبط فرمایند، تا بدو آیندگان بخورد، و اوضاع این عصرها مجهول نماند.

یکی از چیزهایی که باید نوشته شود، و حجاب خفا از روی آن برداشته گردد، موضوع ذیل است، که می‌خواهم صفحات این مجله آنرا حفظ کند.

شاید اغلب خوانندگان کتاب سراج التواریخ را که در دو جلد محتوی وقایع افغانستان از عصر اعلیٰ حضرت احمد شاه نادر آخر امیر عبدالرحمن خان بامر امیر حبیب الله خان از طرف ملا فیض محمد مرحوم هزاره در کابل بسال (۱۳۳۰ هـ) نوشته شده، دیده و خوانده اند.

این کتاب طبع شده، و مسودهٔ اولین آن که بقلم خود مؤلف است، چند سال پیشتر در دست نگارنده بود، از مطالعهٔ آن پدید می‌آید، که شخص امیر حبیب الله خان آنرا سراپا ندیده، و بقلم خود تصحیح کرده، برخی از موارد را حاکم و اصلاح، و برخی از معلومات خود را در آن افزوده است.

علاوه بر آن میرزا عبداللطیف خان منشی آنوقت سیاق فارسی و مرحوم مولوی عبدالروف خان قندهاری انشای آنرا از نقطه نظر علمی تصحیح کرده و در آخر هر جزو امضا کرده اند.

معلوم میشود: که امیر موصوف ذوق خوب ادبی داشت، و با نظر صائب آن کتاب را می‌دید، و تصحیح میکرد، که این نسخه نادر از نقطه نظر حواشی و زواید بکه دارد، و در نسخه چاپی آن نیست، برای کسانی که تاریخ این دوره را می‌نویسند، سند قوی و خوبی است، و خوشبختانه نسخه مذکور در کتابخانه دارالتحریر شاهی محفوظ است.

ولی مؤلف سراج التواریخ قبل از تحریر این کتاب هشت سال پیشتر، بهمان اسلوب و رویه کلاسیکی تاریخ نویسی که دارد، کتابی را بنام (تحفة الحبيب) نوشته بود، که اینک جلد دوم آن بخط خودش نزد نگارنده موجود است.

این کتاب (۴۳۰) ورق دارد، به نستعلیق خوبی نگارش یافته، و وقایع عصر محمد زبهارا حاوی است. و این هم همان نسخه است، که حصص اولیه آن از نظر امیر حبیب الله خان گذشته، و با امضا و خط وی تصحیح گردیده، و نکات خوب تاریخی را حاوی است، که برای مدققین تاریخ نهایت غنیمت، و سخت پسندیده است.

کتاب از اوایل نهضت آل جمال آغاز ، ربه جلوس امیر عبدالرحمن خان خانم می یابد ، و طوریکه در دیباجه و خانمه آن گوید ، جلد اول آن محتوی وقایع سلطنت سدو زیبا بود .

مؤلف دیباجه خود را بنام پادشاه عصر آغاز می نهد ، و کتابرا هم بنام وی (تحفة الحبيب) می نامد ، و در آخر آن می نویسد :

« ... وقایع عهدامارت او (امیر عبدالرحمن خان) با سوانح اعلیحضرت سراج الملة والدين والا از ابتدای (۱۲۹۸) تا زمان هذا جدا گانه تالیف خواهد شد ، و تا اینجا بخط خود مؤلف حقیر فیض محمد کتاب حضور انور والا بحیز تحریر در آمد ... حرره فی شهر شوال سنه ۱۳۲۲ » از نوشته ما بعد مؤلف بر می آید که این کتاب را به نهایت عجلت نوشته ، و نظر ثانی هم نکرده ، و از اغلاط املائی و انشائی خود معذرت خواسته ، و اگر کسی کتاب را سراپا بنظر عمیق ببیند ، این نوشته مؤلف بجاست ، و در برخی از موارد اغلاط املا و انشاء دارد ، که اکثر آنها خود امیر حبیب الله خان اصلاح کرده ، و برخی از اشعار را که مؤلف از طبع خود در قاف جابده بود ، خط حاک گرفته ، و در حاشیه آن نوشته ، که سلامت است یا اینکه (شعر نیست ، شیر است) ، و بالعکس ابیات اکبرنامه حمید کشمیری را که مؤلف جدا جدا انتخاب کرده ، بسبب پختگی و سلامت و مقامات منظور نظر شاهانه افتاده است ، و آنها حاک نکرده است .

این نسخه بفرس تصحیح و قایع بنظر رجال معمر آن عصر رسیده ، که از آن جمله مرحوم سردار محمد یوسف خان بن امیر دوست محمد خان است ، که در حواشی بخط و امضای خود برخی از وقایع چشمدید یا شنیدگی های خویش را از زبان امیر کبیر پند خود حکایه کرده است ! کذا لك قاضی القضاة سعدالدین خان مرحوم نیز اکثر دیدنی های خود را در آن نوشته ، و یکی از منشیان آن عصر از منشی محمد یعقوب خان و میرزا مؤمن خان منشی و زیراکر خان بسی از وقایع را شنیده در حاشیه نوشته است .

مثلاً راجع به نهمتیکه نسبت به محمد جان خان غازی وردک روایت شده، قاضی القضاة مرحوم شنیدگی خود را از زبان امیر عبدالرحمن خان نوشته، که شبی با اتفاق مولوی احمد جان خان (الکوزی قند هاری) بحضور شان رسیدم، و امیر موصوف اسناد تحریری را بمن وا نمود، و قضیه را مفصلاً گفت.

بعد ازین آنچه از میرزا محمد یعقوب خان راجع به مسئله مذکور شنیده شده، و در حاشیه کتاب تذقیق گردیده، معلوم میشود، که این قضیه برای بدنامی غازی موصوف از منابع اجنبی نشئت کرده است.

باینطور بسی از مسایل مبهم تاریخ وطن ازین کتاب و نوشته های حواشی آن واضح میگردد، که برای نویسندگان دوره تاریخ محمدزهیها زغاییم اسناد است. نسخه موجوده که منحصر بفرود و بخط مؤلف و دارای امضاها و خطوط اشخاص مشهور و فقه است، طوریکه معلومات دارم، تاکنون بنظر هیچ یکی از نویسندگان نرسیده، و حتی کسانی که ملا فیض محمد کاتب را دیده، بو دند و آشنائی داشتند، نیز از وجود چنین کتابی خبر ندارند، و نه از مؤلف شنیده اند (۱).

برای اینکه چنین مسئله مهم (که در تاریخ تحریر کتب تاریخی وطن اهمیت بسزائی دارد، و هم باید در وقایع و حوادث دوره امیر حبیب الله خان ضبط گردد.) بعد ازین از نظر هاپوئیده نمایند، سطرهای چند راجع باین کتاب و هشتم، و به کسانی که در تاریخ دوره آل محمد استقصا دارند، و جزویات و قایع را کنجکافی میکنند، مرده میدهم که این کتاب بسی از حوادث را روشن می سازد، و حقایق تاریخی از آن کشف میگردد.

ولی برای تتمیم مطالب همان نسخه او این سراج التواریخ که بخط مؤلف موجود است نیز باید ملاحظه گردد.

عبدالحی حبیبی

(۱) مؤلف مرحوم در اغتشاش سال ۱۳۰۸ در نابل کشته شده، و اغلب مرده در این عصر